بیانیه

بیانیه خانه توسعه روستا و عشایر ایران

به مناسبت پانزدهم مهرماه، روز ملی روستا و عشایر

روستا باید کانون تولید، اشتغال و توسعه باشد؛ نه مبدأ مهاجرت و محرومیت. بیش از یک دهه است که پانزدهم مهرماه به‌منظور گرامیداشت و قدرشناسی از نقش بزرگ روستاییان و عشایر، به عنوان «روز ملی روستا و عشایر» نام‌گذاری شده است. روستاییان و عشایر ایران، تلاشگران کم‌ادعا اما اثرگذار اقتصاد ملی‌اند. آنان در تأمین امنیت غذایی، تولید محصولات کشاورزی و دامی، حفظ منابع و سرزمین، پاسداری از فرهنگ، آداب و رسوم ایرانی، ایجاد اشتغال و استمرار حیات اقتصادی و اجتماعی بخش بزرگی از کشور نقشی اساسی و جایگزین‌ناپذیر دارند. با وجود این نقش بزرگ، هنوز میان سهم روستا و عشایر در تولید و امنیت کشور و امکانات و فرصت‌هایی که در اختیار آنان قرار گرفته است، فاصله‌ای جدی وجود دارد. امروز بسیاری از روستاییان و عشایر کشور با مشکلاتی روبه‌رو هستند که بخش مهمی از آنها با تصمیم‌های اجرایی، اصلاح مقررات و واگذاری اختیار قابل حل است؛ از جمله: نبود زیرساخت‌های کافی برای صنعتی و دانش‌بنیان شدن کشاورزی و دامداری، کمبود برق صنعتی، ضعف اینترنت پرسرعت، نامناسب‌بودن برخی راه‌های روستایی و دشواری انتقال سریع محصولات به بازار؛ کمبود منابع لازم برای بهسازی انهار و شبکه‌های انتقال آب و کاهش هدررفت آن؛ ضعف آموزش و ترویج کشاورزی نوین برای افزایش بهره‌وری؛ دشواری دسترسی به‌موقع و با قیمت مناسب به نهاده‌هایی مانند کود و سم؛ محدودیت توسعه کالبدی برخی روستاها و مسائل مربوط به اراضی؛ فرسودگی یا کمبود ماشین‌آلات مدرن کشاورزی؛ و سرگردانی روستاییان میان دستگاه‌های متعدد برای دریافت مجوز، استعلام و سند اراضی. ما معتقدیم بخش بزرگی از این مشکلات قابل حل است؛ مشروط بر آنکه توسعه روستا از مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده و بخشی، به یک برنامه ملی، یکپارچه و نتیجه‌محور تبدیل شود. خانه توسعه روستا و عشایر ایران به مناسبت روز ملی روستا و عشایر پیشنهاد می‌کند اقدامات زیر در اولویت برنامه‌های اجرایی کشور قرار گیرد:

۱. تکمیل زیرساخت‌های توسعه در روستاها

تأمین برق صنعتی، اینترنت پرسرعت، راه مناسب، آب پایدار و زیرساخت‌های لجستیکی و ارتباطی به‌عنوان پیش‌شرط تولید و سرمایه‌گذاری در روستاها.

۲. ایجاد نواحی صنعتی و تولیدی روستایی

ایجاد نواحی کوچک صنعتی در مناطق روستایی برای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، بسته‌بندی، سردخانه، صنایع غذایی و سایر کسب‌وکارهای متناسب با مزیت هر منطقه؛ به‌گونه‌ای که ارزش افزوده محصولات تا حد امکان در همان منطقه باقی بماند.

۳. تأمین مالی ارزان‌قیمت برای تولید روستایی

اختصاص تسهیلات هدفمند و ارزان‌قیمت برای توسعه کشاورزی و دامداری مدرن، صنایع تبدیلی و تکمیلی، صنایع‌دستی، گردشگری روستایی و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط روستایی.

۴. ایجاد مراکز یکپارچه خدمات روستایی در شهرستان‌ها

ایجاد شرکت‌ها و دفاتر خدماتی و مشاوره‌ای مشابه الگوی «پنجره واحد» تا روستاییان بتوانند امور مربوط به مجوز، سند، استعلام، بیمه، تسهیلات، امور فنی و سایر خدمات مورد نیاز خود را از یک مسیر مشخص پیگیری کنند و مجبور به مراجعه به دستگاه‌های متعدد نباشند.

۵. کاهش مجوزها و حذف مقررات زائد

بازنگری فوری در بخش‌نامه‌ها و مقرراتی که بدون ایجاد ارزش، موجب افزایش هزینه، اتلاف وقت و سرگردانی تولیدکنندگان روستایی شده‌اند و جایگزینی آنها با مقررات شفاف، ساده و پایدار.

۶. واگذاری اختیار بیشتر به مدیریت محلی

تقویت جایگاه دهیاران و شوراهای روستا و واگذاری اختیارات مشخص قانونی و اجرایی به آنان برای حل سریع مسائل محلی. همچنین استفاده از ظرفیت دهیاران، شوراها و معتمدان محلی برای میانجیگری و سازش در اختلافات محلی، در چارچوب قوانین کشور، می‌تواند از طولانی‌شدن بسیاری از اختلافات و ارجاع غیرضروری آنها به دستگاه‌های اداری و قضائی جلوگیری کند.

۷. انقلاب بهره‌وری در کشاورزی و دامداری

گسترش آموزش‌های کاربردی در زمینه کشاورزی دقیق، آبیاری نوین، مکانیزاسیون، اصلاح الگوی کشت، مدیریت دام، کاهش ضایعات و استفاده از فناوری‌های جدید و هوش مصنوعی؛ با هدف افزایش درآمد کشاورز از هر واحد آب، زمین و سرمایه.

۸. ایجاد نظام مؤثر فروش و بازار برای محصولات روستایی

کاهش واسطه‌گری غیرمولد، توسعه قراردادهای خرید، بازارهای مستقیم، زنجیره سرد، بسته‌بندی و صادرات و فراهم‌کردن شرایطی که تولیدکننده بتواند محصول خود را در زمان مناسب و با قیمت منصفانه به بازار عرضه کند.

متن کامل بیانیه را در سایت شرق بخوانید

نه جنگ، نه صلح

چگونه از منطقه خاکستری خارج شویم؟

سیدپارسا علوی
روزنامه‌نگار

گاهی خطرناک‌ترین وضعیت برای یک کشور، نه جنگ است و نه صلح؛ وضعیتی میان این دو که در آن جنگ متوقف نشده، اما تمام‌عیار هم نیست؛ مذاکره جریان دارد، اما توافقی شکل نگرفته؛ تهدیدها پابرجاست، اما طرفین هنوز به نقطه‌ای نرسیده‌اند که همه راه‌های گفت‌وگو را ببندند. این همان منطقه خاکستری است؛ وضعیتی فرسایشی که شاید در ظاهر از جنگ تمام‌عیار کم‌هزینه‌تر باشد، اما اگر طولانی شود، می‌تواند بخش مهمی از توان اقتصادی، سیاسی و حتی اجتماعی یک کشور را به خود اختصاص دهد.

تحولات اخیر میان ایران و آمریکا بار دیگر این وضعیت را پیش چشم ما قرار داده است. در روزهایی که درگیری همچنان سایه خود را بر منطقه انداخته، تهران از طریق میانجی‌ها پیشنهادی را برای پایان درگیری، کاهش فشار نظامی آمریکا، رفع برخی محدودیت‌های اقتصادی، بازگشایی تنگه هرمز و ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای مطرح کرده است. بر اساس گزارش‌ها، طرح ایران یک بازه هفت‌روزه را برای اجرای این روند در نظر گرفته بود؛ طرحی که دونالد ترامپ آن را رد کرده، اما هم‌زمان گفته است انتظار دارد گفت‌وگوها در روزهای آینده ادامه پیدا کند. گزارش‌های تازه نیز از تلاش میانجی‌های قطری برای ادامه رایزنی با دو طرف حکایت دارد. فارغ از اینکه این مذاکرات در نهایت به کجا برسد، یک نکته در این میان اهمیت دارد: حتی در شرایطی که اختلافات به شدیدترین سطح خود رسیده‌اند، دیپلماسی از معادله حذف نشده است. این واقعیت، بیش از آنکه نشانه ضعف یا قدرت یکی از طرفین باشد، یادآور یک اصل ساده در روابط بین‌الملل است؛ کشورها حتی در شدیدترین اختلافات نیز ناچارند راهی برای مدیریت اختلاف پیدا کنند. از این منظر، پرسش اصلی برای ایران نباید صرفا این باشد که «مذاکره کنیم یا نکنیم؟» پرسش مهم‌تر این است که چگونه می‌توان از وضعیت فرسایشی «نه جنگ، نه صلح» خارج شد؛ بدون آنکه امنیت، منافع ملی و توان بازدارندگی کشور نادیده گرفته شود. در اینجا یک تفکیک مهم ضروری است. بازدارندگی با تنش دائمی یکی نیست. بازدارندگی زمانی معنا دارد که بتواند احتمال تعرض را کاهش و هزینه اقدام نظامی علیه کشور را افزایش دهد. اما اگر تنش از یک ابزار به یک وضعیت دائمی تبدیل شود، دیگر نمی‌توان همه پیامدهای آن را صرفا در چارچوب امنیتی تحلیل کرد. بحران طولانی‌مدت، دیر یا زود راه خود را به اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری، حمل‌ونقل، بازار انرژی و زندگی روزمره مردم باز می‌کند.

ایران برای حفظ امنیت خود به قدرت نیاز دارد؛ اما قدرت صرفا در توانایی مقاومت در برابر فشار خلاصه نمی‌شود. قدرت زمانی به سرمایه ملی تبدیل می‌شود که بتواند برای کشور امکان انتخاب ایجاد کند. اگر یک کشور فقط بتواند فشار را تحمل کند، بخشی از مسیر را پیموده است؛ اما اگر بتواند با استفاده از قدرت خود، هزینه بحران را کاهش دهد و شرایطی باثبات‌تر برای اقتصاد و جامعه ایجاد کند، آنگاه قدرت به نتیجه سیاسی تبدیل شده است. همین‌جا تفاوت میان «عقب‌نشینی» و «کاهش تنش» روشن می‌شود. کاهش تنش الزاما به معنای پذیرفتن خواسته طرف مقابل نیست، همان‌طور که مذاکره الزاما به معنای اعتمادکردن نیست. مذاکره یک ابزار است. ابزاری برای آنکه اختلافی که در میدان امنیتی و نظامی جریان دارد، به میز سیاست منتقل شود و به جای تصمیم‌های لحظه‌ای، قواعد و تعهدات قابل سنجش شکل بگیرد. نمونه روشن این مسئله، تنگه هرمز است. ایران در پیشنهاد اخیر خود بازگشایی این آبراه را به مجموعه‌ای از اقدامات متقابل از سوی آمریکا گره زده و ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای را نیز در همین چارچوب قرار داده است. در مقابل، آمریکا خواسته‌هایی متفاوت دارد و پیشنهاد تهران نیز از سوی ترامپ رد شده است. با این حال، تلاش میانجی‌ها برای یافتن فرمولی تازه ادامه دارد.

هرمز در این میان فقط یک موضوع نظامی نیست. اهمیت این آبراه برای تجارت جهانی و انتقال انرژی باعث شده است هر تحول در آن، فراتر از مرزهای ایران و آمریکا پیامد داشته باشد. حتی بازار نفت نیز در روزهای اخیر نسبت به بن‌بست مذاکرات و احتمال تداوم اختلال در تردد از هرمز واکنش نشان داده و قیمت نفت حدود دو درصد افزایش یافته است.

بنابراین، مسئله فقط این نیست که هرمز باز باشد یا بسته. پرسش مهم‌تر این است که یک کشور چگونه از یک موقعیت ژئوپلیتیک برای ایجاد دستاورد سیاسی استفاده می‌کند. قدرت ژئوپلیتیک زمانی ارزشمند است که بتوان آن را به امتیاز سیاسی، امنیت پایدار یا کاهش هزینه‌های اقتصادی تبدیل کرد. در غیر این صورت، ممکن است همان ابزاری که قرار است قدرت چانه‌زنی ایجاد کند، خود به یکی از عوامل افزایش فشار تبدیل شود.

منطقه خاکستری دقیقا از همین‌جا خطرناک می‌شود. در جنگ تمام‌عیار، وضعیت اگرچه بسیار پرهزینه است، اما دست‌کم ماهیت بحران روشن است. در صلح نیز قواعد و مناسبات مشخص‌ترند. اما در وضعیت میان این دو، نااطمینانی به یک عنصر دائمی تبدیل می‌شود. سرمایه‌گذار نمی‌داند فردا چه اتفاقی می‌افتد، تاجر نمی‌داند مسیرهای تجاری چه وضعیتی خواهند داشت و بازار نمی‌تواند آینده را به‌درستی قیمت‌گذاری کند. حتی یک خبر سیاسی یا نظامی می‌تواند مسیر بازارها را تغییر دهد.

به همین دلیل، کاهش تنش را نباید صرفا یک خواسته دیپلماتیک دانست؛ این موضوع مستقیما با اقتصاد ملی نیز ارتباط دارد. کشوری که برای مدت طولانی در وضعیت بحران باقی می‌ماند، بخشی از منابع خود را به جای توسعه، صرف مدیریت بحران می‌کند. از این منظر، سیاست خارجی فقط درباره حفظ امنیت نیست؛ درباره ایجاد شرایطی است که امنیت بتواند در خدمت توسعه قرار بگیرد.

ایران البته تجربه‌های گذشته را فراموش نکرده و نمی‌تواند نسبت به تعهدات طرف مقابل ساده‌انگار باشد. مذاکره بدون تضمین، بدون محاسبه و بدون توجه به تجربه‌های گذشته، نمی‌تواند راه‌حل باشد. اما از سوی دیگر، بی‌اعتمادی نیز نباید به این معنا باشد که هرگونه گفت‌وگو غیرممکن تلقی شود. هنر دیپلماسی دقیقا در همین نقطه شکل می‌گیرد: گفت‌وگو با طرفی که به او اعتماد کامل نداریم، اما می‌دانیم نادیده‌گرفتن او نیز هزینه دارد. در چنین شرایطی، سیاست خارجی ایران نیازمند یک راهبرد چندلایه است؛ حفظ بازدارندگی در کنار فعال نگه‌داشتن دیپلماسی، توسعه روابط با شرق بدون تبدیل آن به وابستگی، حفظ ارتباط با کشورهای منطقه و بازگذاشتن مسیر گفت‌وگو با اروپا و آمریکا هرجا که بتوان از آن برای تأمین منافع ملی استفاده کرد. هیچ‌یک از این مسیرها الزاما جایگزین دیگری نیستند.

واقعیت این است که قدرت‌های بزرگ نیز در سیاست خارجی خود بیش از آنکه بر دوستی یا دشمنی دائمی تکیه کنند، بر منافع متغیر و محاسبات مشخص تکیه دارند. ایران نیز برای حفظ منافع خود نیازمند همین نگاه است؛ نه خوش‌بینی به غرب و نه وابستگی به شرق، بلکه استفاده از همه ظرفیت‌های موجود برای افزایش قدرت انتخاب.

امروز مسئله ایران فقط پایان یک درگیری نیست. مسئله مهم‌تر، جلوگیری از بازتولید چرخه‌ای است که در آن هر بحران، بحران بعدی را به دنبال بیاورد. اگر قرار باشد پس از پایان هر درگیری، دوباره همان مسیر تنش، تهدید، تحریم و بحران آغاز شود، کشور عملاً از یک جنگ خارج شده تا وارد جنگی دیگر شود؛ جنگی که شاید شکل نظامی نداشته باشد، اما هزینه‌های آن واقعی است.

خروج از منطقه خاکستری به معنای کنارگذاشتن قدرت نیست؛ به معنای استفاده متفاوت از قدرت است. ایران برای حفظ امنیت خود به بازدارندگی نیاز دارد، برای کاهش هزینه‌های بحران به دیپلماسی و برای تبدیل هر دو به نتیجه، به محاسبه دقیق منافع ملی. بازدارندگی باید مانع جنگ شود، دیپلماسی باید راه خروج از بحران را باز کند و سیاست خارجی باید میان این دو، منافع ملی را دنبال کند و هرکدام که نتواند به وظیفه‌اش عمل کند، تبدیل به هزینه برای کشور می‌شود.

فقر غذایی و آسیب روان نسل‌ها

یونس قیصی‌زاده
استادیار روان‌شناسی دانشگاه

در ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۴، متفقین بزرگ‌ترین حمله هوابرد تاریخ را با نام «مارکت گاردن» آغاز کردند. هدف، عبور سریع از هلند و ورود به آلمان برای پایان‌دادن به جنگ جهانی دوم تا کریسمس بود، اما حضور غیرمنتظره لشکرهای زرهی آلمان در آرنهم، تأخیر نیروهای زمینی و بدی آب‌وهوا، عملیات را به شکستی تلخ تبدیل کرد. ۱۷ هزار سرباز متفقین کشته، زخمی یا اسیر شدند و آزادسازی غرب هلند ماه‌ها به تعویق افتاد. اما فاجعه واقعی تازه شروع شده بود. آلمان‌ها در واکنش به اعتصاب راه‌آهن هلند، ارسال غذا به شهرهای غربی را ممنوع کردند. زمستان سرد ۱۹۴۵ - ۱۹۴۴، کانال‌های یخ‌زده و جیره‌های کمتر از هزار کالری، «زمستان گرسنگی» را رقم زد. بیش از ۲۲ هزار هلندی از گرسنگی و سرما جان باختند، اما تأثیر این قحطی و کمبود مواد غذایی بر بازماندگان، به ویژه نوزادان متولدشده، عمیق‌تر از آمار مرگ بود. مطالعه معروف «کوهورت قحطی هلند» نشان داد زنانی که در سه‌ماهه اول بارداری در اوج قحطی و کمبود مواد مغذی بودند، فرزندانی به دنیا آوردند که سال‌ها بعد با خطر دوبرابری اسکیزوفرنی و افزایش افسردگی روبه‌رو شدند. فرضیه «منشأ جنینی» توضیح می‌دهد که سوءتغذیه در دوره‌های حساس رشد مغز، برنامه‌ریزی بدن را برای بقا تغییر می‌دهد؛ اما همین انطباق، در بزرگسالی به آسیب‌پذیری روانی و بیماری‌های مزمن تبدیل می‌شود. شگفت‌انگیزتر آنکه این اثرات به نسل بعد نیز منتقل شد. تغییرات اپی‌ژنتیکی -خاموش و روشن‌شدن ژن‌ها بدون تغییر در DNA- حتی دهه‌ها بعد قابل ردیابی بود. نوزادان قحطی، خود فرزندانی با وزن کم به دنیا آوردند، آن هم در زمانی که غذای فراوان در دسترس آنها بود. درس تلخ این رویداد تاریخی که به یک آزمایش بزرگ طبیعی روان‌شناسی تبدیل شد، آن است که تصمیم‌های کلان و بروز حوادثی که بحران‌های غذایی را به وجود می‌آورند، نه فقط در لحظه وقوع، بلکه در روان و زیست‌شناسی نسل‌های آینده نیز تأثیر منفی می‌گذارند.

هشداری برای امروز

آنچه در هلند دهه ۱۹۴۰ رخ داد، فقط یک درس تاریخی نیست؛ بلکه آینه‌ای برای امروز است. با گران‌شدن افسارگسیخته مواد غذایی و تورم فزاینده، مادران باردار با کمبود مواد غذایی روبه‌رو و دچار سوءتغذیه می‌شوند. اگر فرضیه منشأ جنینی درست باشد و شواهد قوی نشان می‌دهد که هست، نسل بعدی ممکن است با افزایش اسکیزوفرنی، افسردگی و بیماری‌های مزمن روبه‌رو شود. گرچه این بحران‌ها در سکوت رخ می‌دهند اما پیامدهایشان دهه‌ها بعد در جامعه آشکار می‌شود. سیاست‌گذاران باید بدانند: تأمین امنیت غذایی مادران باردار، سرمایه‌گذاری روی سلامت روان نسل‌های آینده است.

*** با تشکر از دکتر آذرخش مکری، بابت طرح این سوژه در پادکست مغز ایدئولوژیک**

گواهینامه زنان؛ حق تردد یا هزینه معیشت؟

محمد مقصود
پژوهشگر حقوقی

اظهارات اخیر در مجلس شورای اسلامی مبنی بر «دست‌چندمی‌بودن» صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان و تعلیق آن به بهانه «شرایط خاص و اولویت‌های دیگر»، بازتابی از یک نگاه تقلیل‌گرایانه در سیاست‌گذاری عمومی است. تقلیل مطالبه ساماندهی تردد زنان به یک موضوع حاشیه‌ای، ناشی از نادیده‌گرفتن واقعیت‌های ملموس زیست روزمره و چرخ‌دنده‌های خرد اقتصاد جامعه است. طبق اصول ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی، دولت مکلف به ایجاد شرایط مساوی برای اشتغال و تأمین امکانات کار برای شهروندان است. در شرایطی که تورم، خرید خودرو را برای بخش بزرگی از جامعه دشوار کرده و حمل‌ونقل عمومی نیز با فرسودگی و کمبود ظرفیت مواجه است، موتورسیکلت نه یک وسیله تفریحی، بلکه «ابزار حیاتی معیشت» است. بسیاری از زنان شاغل، سرپرستان خانوار و فعالان مشاغل خرد، برای کاهش هزینه‌های تردد یا اشتغال در اقتصاد پلتفرمی و زنجیره توزیع، به این وسیله وابسته‌اند. محروم‌کردن نیمی از جمعیت از دریافت پروانه رسمی، عملا دست‌اندازی در مسیر استقلال اقتصادی خانوارهاست.

از منظر حقوقی، توصیه به اینکه «زنان فعلا سوار موتور نشوند تا روزی که قانون تصویب شود»، رویکردی منفعلانه است که از حل مسئله ناتوان است. یکی از منشأهای اصلی این ابهام، نحوه تنظیم تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی و استفاده از تعبیر «مردان» است؛ تعبیری که هرچند برخی آن را محدودکننده می‌دانند، اما با توجه به اصل اباحه، ضرورت تعیین تکلیف صریح و روشن وضعیت قانونی زنان را دوچندان کرده است. بلاتکلیفی ایجادشده در این حوزه، شهروندان متقاضی را در وضعیتی پرخطر قرار داده است. رانندگی بدون گواهینامه معتبر، در صورت تحقق شرایط قانونی، می‌تواند مشمول ضمانت اجرای مقرر در ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی شود. همچنین، فقدان گواهینامه می‌تواند آثار مالی سنگینی داشته باشد و در موارد مقرر قانونی، برای بیمه‌گر حق رجوع نسبت به مسبب حادثه ایجاد کند. در این میان، نکته بنیادین که حاکمیت باید به آن توجه کند، مسئله مسئولیت دستگاه‌های اجرائی در قبال ترک فعل‌های نظارتی است. دولت نمی‌تواند از یک سو وسیله نقلیه را رسما در بازار عرضه کند و از سوی دیگر بستر احراز صلاحیت فنی و اعطای مدرک رسمی را مسدود نگه دارد. هرچند صرف وجود ابهام قانونی لزوما موجب مسئولیت قهری دولت در هر حادثه‌ای نمی‌شود، اما «تداوم بلاتکلیفی حقوقی» می‌تواند حسب مورد و با احراز ارکان مسئولیت مدنی و رابطه سببیت، زمینه طرح مسئولیت دستگاه‌های ذی‌ربط را فراهم کند. اگر اولویت کشور معیشت مردم است، تسریع در اصلاحیه قانونی و پایان‌دادن به این خلأ مقرراتی باید در صدر تصمیم‌ها باشد. نمی‌توان ارزان‌ترین ابزار کار شهروندان را با برچسب «غیرضروری» در وضعیت حقوقی مبهم نگه داشت و هم‌زمان پیامدهای سنگین آن را به دوش زنان انداخت. حکمرانی مطلوب، نه در مسدودکردن مسیرهای قانونی، بلکه در تسهیل و انتظام‌بخشی به حقوق شهروندان معنا می‌یابد.

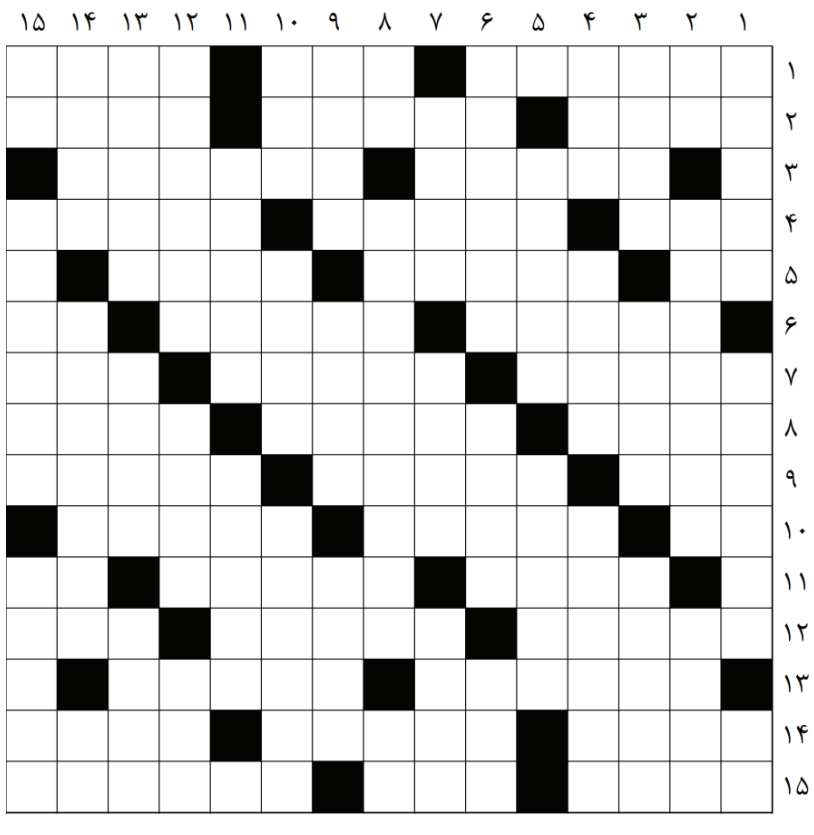
جدول ۵۴۲۵ طراح: بیژن کورانی

افقی:

۱- بی‌نیازی- از سازهای کوبه‌ای در ارکستر سمفونیک- بزرگ‌ترین سوره قرآن ۲- پوشاننده- هرج‌ومرج- از علوم فقهی ۳- باقی‌مانده‌ها- نقاشی روی شیشه ۴- حق مخالفت- خودروی کوچک برای حمل مصالح ساختمانی- خوردنی‌های حلال ۵- بوی رطوبت- خانم کارآگاه داستان‌های آگاتاکریستی- لقب امام علی‌النقی(ع) ۶- نوعی نان سنتی- برادر حضرت موسی(ع)- کتف ۷- شفاهی- میله فلزی نازک- شهر بی‌قانون ۸- پرهیزکردن- درونه- مقدور و ممکن ۹- شیشه آزمایشگاهی- صندلی چرخدار معلولان- با شدت و فوریت ۱۰- هفتادودومین سوره قرآن- تحفه‌اش برگ سبزی است- متواضع ۱۱- چشم- حکم خواندن قرآن در سجده- کافی ۱۲- آبرو و شرف- دورافتاده- دوستی ۱۳- بزرگ‌ترین عصب بدن- حرکت باد ۱۴- ماشین خاکبرداری- متنافر- شیوه و روش ۱۵- بیمه اختیاری خودرو- لطیف- گردی سفید که از سیب‌زمینی گرفته می‌شود.

عمودی:

۱- حلال رنگ لاک ناخن- شهر سفال ایران- از اندام گفتاری ۲- واحد بازی بدمینتون- فصل گرم- رنگ سیاه ۳- مقدس و ممنوع- نویسنده- طلوع‌کردن ۴- فرورفتن چیزی به قعر آب- پایه و اساس- سطح جانبی هر چیز ۵- مربوط به اداره- دستیار ۶- آب‌دادن به کشتزار- محصول درخت- ذره باردار ۷- از اختراعات ادیسون- بومی- حیله‌گر ۸- دشنام‌دادن- از جاذبه‌های گردشگری اردبیل بازمانده از عصر صفوی- مفقود ۹- روز قیامت- آتش- از توابع شهرستان نوشهر ۱۰- آبراه کوچک- اهل هرات- درخشنده ۱۱- دست‌درازی- لازم ۱۲- فروریختن باران از ابر- کوهی کوچک پیش‌روی خانه کعبه- زنگ گردن شتر ۱۳- دکان گوشت‌فروشی- شکوه و جلال- الهه عشق و زیبایی ۱۴- تابلویی زیبا اثر هنرمندانه آنری روسو، نقاش فرانسوی- از حیوانات خوابالو- پیش‌درآمد آشغال ۱۵- فشار برای راندن چیزی- معامله پایاپای- نوعی شیرینی بادامی



حل سودوکو ۴۴۲۰

۵	۹	۲	۴	۶	۸	۱	۷	۳
۶	۳	۴	۷	۵	۱	۹	۸	۲
۷	۸	۱	۲	۳	۹	۵	۴	۶
۱	۵	۳	۸	۹	۷	۶	۲	۴
۴	۲	۷	۵	۱	۶	۸	۳	۹
۸	۶	۹	۳	۴	۲	۷	۱	۵
۲	۷	۵	۶	۸	۳	۴	۹	۱
۳	۱	۶	۹	۷	۴	۲	۵	۸
۹	۴	۸	۱	۲	۵	۳	۶	۷

۷	۵	۶	۹	۳	۸	۱	۲	۴
۸	۲	۴	۷	۱	۵	۶	۳	۹
۹	۳	۱	۶	۲	۴	۸	۷	۵
۲	۹	۳	۵	۷	۶	۴	۱	۸
۶	۷	۸	۱	۴	۳	۵	۹	۲
۴	۱	۵	۸	۹	۲	۷	۶	۳
۵	۶	۷	۳	۸	۹	۲	۴	۱
۱	۴	۹	۲	۵	۷	۳	۸	۶
۳	۸	۲	۴	۶	۱	۹	۵	۷

حل جدول ۵۴۲۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	س	ا	■	ا	ک	س	پ	ر	س	■	خ	ا	ش	ع
۲	چ	و	ب	ل	ب	ا	س	ی	■	ر	و	پ	ا	ی	ی
۳	ا	■	و	ی	ا	ر	■	ن	ا	ا	ه	ل	■	ر	ن
۴	ل	و	م	و	ن	د	■	ت	و	ب	ا	■	س	م	ک
۵	ه	ی	و	ا	■	ک	ت	ب	ی	■	ب	ح	ی	ر	ا
۶	■	م	س	ن	د	■	ل	ا	ن	ه	■	ی	ا	غ	ی
۷	ل	ا	ی	■	م	ق	ا	ل	■	ژ	ا	ل	ه	■	م
۸	ب	ر	■	ک	ا	ی	ن	■	ف	ی	ل	ه	■	ز	ن
۹	خ	■	ب	ل	غ	م	■	ح	ا	ر	ه	■	ب	ر	ی
۱۰	ن	ط	ر	ی	■	ه	ا	م	ی	■	ه	د	ه	د	■
۱۱	د	ل	ز	د	ه	■	ک	ا	ل	ا	■	ه	م	پ	ا
۱۲	ا	م	و	■	ر	ف	ر	م	■	م	ل	ا	ن	ی	ن
۱۳	ن	ا	■	س	و	ر	ا	■	خ	ا	ی	ت	ی	■	ع
۱۴	ا	ن	ی	ل	ی	ن	■	ا	ی	ن	د	ی	ا	ن	ا
۱۵	ر	ی	س	ه	■	ج	ی	ن	ا	ی	ر	■	ر	س	م

سودوکو سخت ۴۴۲۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۲					۱
	۷		۵			۹	۲	
		۹		۷			۳	
	۹					۶		
۷		۶	۸		۵	۲		۴
		۱					۸	
	۶			۵		۱		
	۲	۸			۷		۵	
۴					۹			

سودوکو ساده ۴۴۲۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۷		۶		۳	۹			
				۴			۵	
۴		۹	۵	۱	۷		۸	
		۷			۶			
۶	۹	۲				۸	۳	۷
	۱		۷			۲		
	۶		۲	۸	۱	۴		۳
	۸			۷				
			۴	۶		۵		۸